افغانستان (نتایج علمی هیئتی که از آلمان به آن مملکت فرستاده شد)

مجلّهء آلمانی»شرق جدید«1در شمارهء 4 و 5 خود مورّخهء 25 مه‏ 1917(3 شعبان 1335)مقالهء بعنوان فوق بقلم سرهنگ نیدرمایر2 رئیس هیئتی که از آلمان قریب دو سال قبل بافغانستان اعزام شده و بتازگی‏ بعد از مشقّات بسیار و صعوبات بی‏شمار بآلمان مراجعت نموده‏اند مندرج ساخته است.چون مقالهء مزبور ا جهات عدیده مفید است. و یک پرتو روشنائی باوضاع این مملکت محتجب سرّی میاندازد ما عین‏ آنرا در این روزنامه ترجمه کرده نشر مینمائیم:

افغانستان از قدیم الأیّام یک مملکت سرّی بوده است.و همچنین‏ اوضاع و حالات آن هیئتی که از طرف آلمان باین مملکت فرستاده شده تا امروز در پس پردهء خفا مانده است.مخفی ماندن این هیئت دلیل کمی‏ فعّالیّت آن نمیشود و عنقریب شاید بگوش عموم مردم برسد که این هیئت‏ که فقط از چند نفر آلمانی تشکیل شده بود در عین آنکه یکّه و تنها مانده‏ و راه ارتباطشان از همه طرف قطع شده بود چه خدمات شایانی کردند. بیشتر اعضای این هیئت در مصادمات هولناک با دشمنان قوی پنجه تلف‏ شدند.لکن آن خدماتی که بازماندگان در آسیای وسطی بروز دادند و اقداماتی که بر ضدّ دشمنان نمودند و اطّلاعاتی که بدست آوردند کارهائی‏ است که یقینا در آینده اسباب حیرت و تعجّب عموم خواهد گردید.

این هیئت معلوماتی از یک مملکتی جدید بدست آورد که تا حال نه‏ احوال داخلی آن،نه ارتباطات خارجی آن با سایر ممالک همجوار،نه‏ اوضاع سیاسی،نه نظامی،نه اقتصادی آن به هیچ وجه معلوم نبود.

در خصوص نتایجی که این هیئت از اوضاع سیاسی و نظامی آن مملکت‏ بدست آورده است واضح است که امروز نمیتوان سخن راند لکن مسائل‏ اقتصادی آن در جای دیگر مفصّلا شرح داده خواهد شد.عجالة ذکر بعضی معلومات علمی در خصوص این مملکت خالی از فائده نیست ولی‏ این نکته را باید در نظر گرفت که کار مهمّ و غرض عمدهء این هیئت‏ مسائل سیاسی و نظامی بوده و مسائل علمی فقط فرعی و در ضمن منظور گردیده است.

از آنجائی که افغانستان در سر راهگذار اغلب فاتحین بزرگ و قبایل‏ سترگ واقع شده بوده در این مملکت همه نوع نفوذهای مختلف از قبیل‏ هندی،چینی،مغولی و ایرانی چه قبل از اسلام و چه بعد از آن‏ وجود دارد.نفوذ عرب و ایرانی از راه افغانستان بهند سرایت نموده‏ و نفوذ چینی و هندی از همان راه افغانستان بایران آمده است.لهذا جای‏ تعجّب نیست که از سالهای دراز باین طرف علمای بزرگ همیشه در صدد آن بوده‏اند که از این مملکتی که در حقیقت معبر تمدّنهای مختلف‏ بوده معلومات زیادی بدست آورده‏اند.

(1) Der neue Orient

(2) Hauptmann Niedermayer

هرچند بطور عموم معلوم بود که در این مملکت چه چیزها یافت‏ میشود لکن معلوماتی که یک شخص خبرهء میخواست هنوز بدست‏ نیامده بوده و شاید بعضی چیزهائی که شخص منتظر بود در این مملکت‏ پیدا کند یافت نمیشد.

آثار و ابنیهء زیادی از دوره‏های مختلف زردشتی،یونانی،هندی، عرب و غزنوی در افغانستان موجود است.و مشاهده نمیشود که یکی‏ از این دوره‏ها و دورهء بعد خود نفوذی و تأثیری داشته و چنین بنظر میآید که هر عصر متأخّری گویا آثار عصر متقدّم خود را تقریبا معدوم‏ ساخته است.

ظاهرا حالت طبیعی افغانستان با جبال شاهقه و درّه‏های بسیار عمیق‏ خود که اغلب بامتداد غربی و شرقی هستند یکی از موانعی بوده است‏ برای آنکه تمدّنهای مختلف بیکدیگر نزدیک شوند یا تمدّنی داخل تمدّنی‏ دیگر گردد.امروز هم کمتر مملکتی در دنیا هست که در آن آنقدر طوایف مختلف توطّن داشته باشند که در افغانستان مشاهده میشود.در کوههای مرکزی افغانستان قبایل هزاره که اصلا از نژاد یک طائفهء مغولی‏ میباشند سکنی دارند.در شمال یک قوم ترکی متوطّن است که عبارت از ترکمنها و ازبکها باشد.در غرب طوایف ایرانی و عرب و در جنوب و جنوب شرقی پاتانها1هستند.بعلاوهء خود افغانها که در اغلب نقاط پراگنده میباشند.

هریک از این طوایف تمدّن و صنعت مخصوص خود و حتّی میتوان‏ گفت که مذهب مخصوص خود را دارا هستند.هرچند که مسلمانان‏ افغانستان متعصّب‏تر از سایر مسلمانان بنظر میآیند لکن معلوم میشود که‏ اسلام فقط یک رنگ و روغن ظاهری است که برای متّحد کردن این‏ طوایف و قبایل مختلفه بآنها داده شده است.در اینجا هم باز این نکته را مشاهده میکنیم که مذهب فقط یک وسیله‏ایست برای نیل بمقصودی.

صنعت هندی را می‏بینیم که از راه معیّنی از شرق آمده و تا بامیان‏ رفته و از طرف دیگر نفوذ اسلام از راه هرات و قندهار آمده و تا کوههای قبایل هزاره رسیده است.در شمال پامیر و هندوکوش تمدّن‏ باختریان‏2قدیم بظهور رسیده است.همچنین در نقاطی که اسکندر از آنها عبور کرده است آثار تمدّن یونانی مشاهده میشود.

و این فقره را برخی از آثار تمدّن ایرانی در هند ابدا یافت نمیشود میتوان بدینطریق بیان نمود که افغانستان آن تمدّن را گرفته ولی هیچ وقت‏ نگذاشته که از سرحدّ شرق یا غرب خود خارج شود.چنانکه بعضی‏ آثار تمدّن ایرانی هنوز در افغانستان باقی است که در خود ایران و ترکستان‏ و هند از آن ابدا نشانهء نیست.

افغانستان هم برای خود مقدّسات ملّی دارد اگر بشود آنرا چنین‏ نامید و آن عبارت است از مزار شریف و شهر بلخ که همان باکترا3 (1)پاتان Pathan که ایشانرا پاختان نیز گویند عبارت‏اند از طوائف اصلی‏ افغان و بهمین مناسبت است که زبان افغانی را پختو یا پشتو گویند-مترجم.

(2)یعنی ایرانیان قدیم که پایتخت ایشان باختر(بلخ)بوده است.مترجم

(3) Baktra

(باختر)قدیم است.آب زیاد و هوای خوش و مکان محفوظ اهالی را از اقدم ازمنه بدین شهر کشیده است.بشهر مقدّس آناهید1اسکیتها2 و ایرانیها بزیارت میرفتند و بشهر علی‏3هم‏اکنون مسلمانها بزیارت‏ میروند.در این شهر بقایائی از آثار تمدّن زردشتی و یونانی و مسلمان در جنب یکدیگر دیده میشود.

ظهور دولت افغانستان بعرصه وجود نتیجهء سیاست انگلیس است‏ و این مملکت بدون ملاحظهء ارتباط ملل و نژادهای مختلف با یکدیگر ایجاد شده است.نه طبیعت اراضی افغانستان و نه ملل آن یکرنگ و از یک عنصر متّحد هستند.افغانستان مانند ایران عبارت است از اراضی‏ مختلفه که بواسطهء صحراهای قفر و جبال شاهقه از یکدیگر منقطع و فقط بوسیلهء راههای تنگ باریک که در کنارهای آن مردم سکنی دارند بهم‏ متّصل است.قدیم‏ترین این نواحی صفحهء هرات است بعد قندهار و غزنه‏ و کابل و بلخ.

بیشتر این موضع بواسطهء حملات فاتحین بزرگ دنیا مانند اسکندر که این نقاط را منازل عرض راه قشون خود قرار میدادند برای آنکه‏ پیشتر بروند اهمیّت و شهرت پیدا کردند.

هیئت مبعوثه از آلمان سعی کرد که از این نقاط مهمّ حتی المقدور معلومات‏ بدست بیاورد.شهر هرات از این حیث بر همه مقدّم بود و اطّلاعات‏ زیادی بدست داد.حصار قدیمی دور شهر که قریب 15 متر قطر آنست‏ اساس مربّعی دارد.خود شهر هرات بواسطهء دو خیابان بزرگ که یکی‏ از شمال بجنوب و دیگری از مشرق بمغرب میرود تقریبا درست بچهار قسمت‏ متساوی تقسیم میشود.بازارهای شهر در اطراف این خیابان واقع است.

در شمال شهر قصر سلطنتی واقع است و در شمال شرق عمارت‏ حکمران و مسجد بزرگ.گرداگرد حصار هرات یک خندق باتلاقی و یک‏ جادّهء وسیعی است.در جنوب شهر بیرون حصار و در اطراف جادّهء که‏ بطرف رودخانهء هرات ممتدّ است چندین مسجد و خانه و دکاکین ساخته شده‏ است در صورتی که در شرقی و غربی شهر و مخصوصا در شمالی آن از طرف‏ خارج کمتر بنا دیده میشود.بنا بنصیحت یک انگلیسی که برای قلعهء مستحکم هرات یک میدان تیراندازی لازم است تمتم ابنیهء قدیم عالی‏ مصلّی‏ها را با خاک یکسان کرده‏اند.ولی قدری شمالی‏تر تا نزدیک کوهستان‏ باغات و زیارتگاههای بسیار دیده میشود.

بهترین ابنیهء هرات مسجدی است که اساس آن از دورهء سلطنت‏ عرب باقی مانده و بعضی از قطعات آن شبیه است بمسجد ابن طولون‏ و سامرّه.در ایوان بزرگ این مسجد بعضی خطوط کوفی دیده میشود که هنوز خوب باقی مانده است.این مسجد را چندین دفعه تجدید (1)ناهید

(2)یونانیها از کلمهء اسکیت Skyth اقوام متوطّنه در شمال قفقاز و بحر خزر و سکنهء دامنه‏های هندوکوش را اداره میکرده‏اند.مترجم

(3)مقصود همان مزارشریف است که مقبرهء علیّ بن ابی طالب بزعم اهالی‏ در آنجاست.مترجم

عمارت نموده و اصلاح کرده‏اند و بسبب مواظبت امیر هنوز بحال خوبی‏ باقی است.دیوارهای رو بطرف حیاط مسجد را معلوم میشود که بعدها با آجرهای قشنگ مزیّن کرده‏اند و اندکی بعد روی آن آجرها را بطرز ابنیهء خراسان کاشی‏کاری نموده‏اند.در طرف شمال مسجد ولی متّصل‏ بدان یک بنای مقدّس دیگری ولی کوچکتر ساخته شده است که در مزیّن‏ کاری آن بطرف مشرق است.ساختمان این بنا از حیث شکل و تزیین شبیه است بمسجد قدیم سرخس در مشرق خراسان.

از مصلاّهائی که در شمال این شهر ساخته شده بوده اکنون فقط نه مناره باقی است که هر چهار عدد آنها متعلق بیک بنا بوده است.هر منارهء دارای کاشی‏کاریهای خیلی قشنگ است که بدبختانه امروز اغلب‏ خراب شده است.در یک ارتفاع یک ذرع و نیمی دور تا دور مناره‏ سنگهای مرمر بسیار ظریفی نصب و روی آنها خطوط کوفی حجّاری‏ شده است.در جنب این منارها یک گنبد کاشی با نقّاشیهای ساده دیده‏ میشود.اندکی بطرف شمال یک گنبد دیگری نمایان است که خیلی صدمه‏ خورده و خراب شده است.

یکی از اماکن مشهورهء هرات زیارتگاه خواجه(عبد الّله)انصاری‏ است و آن در دامنهء کوهی در شمال شهر واقع و عبارت است از یک‏ حیاطی بطول 20 متر و عرض 50 متر و در وسط آن یک سنگ قبر خیلی قدیمی است و در اطراف آن قبور متفرّقهء دیگر است.دیوارهای‏ این حیات اغلب کاشی است.در طرف راست مدخل این حیاط گنبد کوچکی است با پایهء مربعّ و نقّاشیهای زیاد.

تمام این بناها بدون شکّ در عصر واحد ساخته شده است.

در طرف جنوب شهر پلی روی رودخانهء هرات بسته شده که در اغلب جاها اکنون خراب است و میگویند از زمان شاه عباس باقی مانده است.

ما بقی زیارتگاههای واقعه در شمال شهر اغلب عبارت است از ساختمانهای جدید که چندان دارای اهمیّتی نیستند لکن اغلب آنها باغهای‏ قشنگ باصفا دارند.

در خصوص تاریخ این ابنیه در خود مملکت کسی چیزی نمیداند. بحکایاتی که ما بین بومیان مشهور است نمیتوان اعتماد کرد.بهتر از همه‏ خود امیر حبیب الله خان که معلومات او تا آنجا که راجع بتاریخ‏ اسلام است میتوان طرف وثوق قرار داد.تاریخ افغانستانی که او خود نوشته بس گرانبها است.1

از مضافات شهر هرات یکی زیارتگاه خواجه چشت است و آن واقع‏ است در کوهستانی در قسمت علیای رود خانهء هرات.در اینجا هم چندین‏ قبر دیده میشود که از جمله دو عدد از آنها دارای آجرهای مزیّن‏کاری‏ بسیار خوب با خطّ کوفی است و خالی از اهمیّت نیست.

قندهار غیر از باغهای شهر قدیم و جدید و بعضی ابنیهء متأخّرهء دورهء اسلام چیز قابل اهمیّتی ندارد.در غزنه آثار عتیقهء زیاد یافت میشود. (1)شاید مقصود نویسندهء مقاله سرگذشت مشهور امیر عبد الرّحمن خان باشد که سهوا بامیر حبیب الله خان نسبت داده.مترجم.

تفصیل برجهای مشهور و ابنیهء معروف این شهر در اینجا اسباب طول‏ کلام خواهد شد.هیئت مبعوثه از آلمان در این باب عکسها و نقشه‏های‏ صحصح بدست آورده است.

توقف هشت ماهه در کابل اسباب آن شد که این هیئت توانست‏ درست نقشه شهر و اطراف آنرا بردارد لکن بدبختانه در این شهر چیزهای‏ مفید زیاد نیست.این شهر قدیمی تنگ و تاریک کثیف مابین رودخانهء کابل و کوههای بلندی واقع است.در شمال شهر محلّهء امیر و شاهزادگان‏ است.بر روی کوههای غربی آثار قلاعی چند مشاهده میشود که ظاهرا از عهد نادر شاه باقی مانده است.فقط بنای مهمّ کابل«قبر تیمور»است‏ با یک گنبد ظریف که از آجر پخته بنا شده و پایهء مثمّن الأضلاعی دارد و تقریبا 250 سال قبل باید تاریخ بنای آن باشد.

در طرف مشرق شهر مسجد«عیدگاه‏1»است که بطرز ابنیهء هندی‏ ساخته شده.در کاروانسراها و خانهای قدیم منبّت‏کاریها و پنجرهای چوبی‏ قشنگ زیاد دیده میشود.

کابل مرکز مهمّ تجارت شرق افغانستان است و کاروانها از همه‏ طرف بدانجا آمد و رفت میکنند.در این شهر انسان میتواند آهنگریهای‏ خیلی با صنعت قبایل هزاره و پارچه‏ها و قالیهای ترکمنی و شالهای‏ کشمیر قیمتی را خیلی ارزان بدست بیاورد.نیز کابل بهترین نقاطست‏ برای بدست آوردن سکّه‏های یونانی که اغلب از درّهء لوگار2میآورند.

بدبختانه این هیئت نتوانست ببامیان که قدری دوردست افتاده برود ولی توانست یک مجموعهء نفیسی از عکسهای ابنیهء آنجا بدست بیاورد.

در عرض راه مابین کابل و تاش کورگان‏3از ابنیهء قدیمهء ایبک‏4که‏ از قرار معلوم از آثار دورهء زردشتی است عکس برداشته شد.مهمّ‏ترین‏ آنها یکی تخته سنگ بزرگی است بقطر 20 متر که در وسط آن آثار آتشکدهء کوچکی است.و دیگر چندین معبد سنگی مستدیر گنبد مانند با انواع تزیین‏کاریهای فراوان که بدبختانه اغلب خراب و ضایع شده است. آثار خطّی و کتیبه در هیچکدام از اینها دیده نشد.

این هیئت بالطّبیعه اهمیّت مخصوصی بترکستان افعانستان میداد.تاش‏ کورگان معروف به«در بلخ»در دامنهء شمالی کوهستان بلندی واقع است. و چنین بنظر میآید که در قدیم الأیّام یک قوم باختری(ایرانی)در جلگهء واقعه در شمال این موضع توطّن داشته‏اند لکن امروز اثری از آنها باقی نیست.هم در این موضع و هم در بلخ و هم در مواضع دیگر این صفحات شخص میتواند بخوبی ملاحظه کند که چگونه اهالی کم‏کم از دشت و جلگه کوچ کرده و بتدریج در دامنه‏های کوهها و کنار درّه‏ها منزل‏ گزیده‏اند.انتخاب این نقاط بدو دلیل بوده است اوّلا بواسطهء آنکه‏ آبهائی که در دشت جاری بوده اغلب راه جریان خود را تغییر میداده‏ (1) Eit-Gah

(2) Logar

(3) Tasch Kurgan

(4) Aibag

و اسباب خرابی میشده است لهذا اهالی مجبور میشده‏اند که مواضعی را برای مسکنهای خود انتخاب کنند که بواسطهء تنگی درّه آب نتوانند جریان‏ خود را تغیر دهد.علاوه بر این در بعضی فصول آب در دشت کمتر یافت میشده و آنهم بالطّبیعه اسباب زحمت زیاد و صعوبت زندگی بوده‏ است.ثانیا بواسطهء آنکه چون متدرّجا اوضاع کوهستانیهای جنوبی امن‏تر و اهالی بحکومت مطیع‏تر میشده‏اند سکنهء جلگه دیگر نمی‏ترسیده‏اند که‏ کوهستانیها بانها حمله آورده صدمه برسانند لهذا مکان خود را در دامنه‏های کوهها انتخاب میکردند تا در مقابل حملهء قبیلهء دیگر از یک طرف‏ اقلاّ مطمئنّ باشند و بزودی محاصره نشوند.

و بهمین نلاحضات تغییر در جریان آب و صعوبات آبیاری بوده که‏ مزار شرف در طرف شرق بلخ ساخته شده است و بهمین ملاحظه‏ نیز در ازمنهء اخیر امیر عبد الرّحمن خان ده دادی را در دامنهء کوهی‏ ساخته و مستحکم کرده است.

چنین بنظر میآید که مزارشریف در دورهء شوکت باختریان‏1 بواسطهء فراوانی و خوشی آب خود زیارتگاه مهمّی بوده است و بعدها در دورهء اسلام هم باز زوّار مسلمان آن نقطه را زیارتگاهی قرار داده رشتهء زیارت در هر صورت منقطع نشد.قدیمترین آثار بعد از اسلام که اکنون‏ در مزارشریف مشاهده میشود از بقایای قرن 13 و 14 مسیحی(قرن‏ هفتم و هشتم هجری)است.ولی بدبختانه کمی از آنها سالم مانده است. مزار جدید علی(عجیب است که علی را در افغانستان خیلی مقدّس‏ میشمارند)پایه‏اش همان پایه‏ایست که ابتدا ساخته بودند ولی بواسطهء تعمیرات زیاد کج سلیقهء که بر آن افزوده‏اند خود بنا خیلی از شکل اصلی‏ خود تغییر کرده است.یقینا از آثار قدیمه در اینجا باز هم بقایائی باید موجود باشد.ولی برای تحصیل اطّلاعات در خصوص آنها تفتیشات‏ عمیق‏تر و وقت زیادتر لازم بود که متأسفانه برای این هیئت هیچکدام‏ میسّر نبود.ولی رویهم رفته میتوان گفت که در مزارشریف چیزهای‏ بسیار مهمّ زیادی بدست نمیتوان آورد.

یکی از مواضع خیلی مهمّ شهر بلخ است همان شهری که در قدیم باکترا (باختر)میگفته‏اند.از این شهر بقدر امکان بعضی معلومات بدست آمد. اغلب ابنیهء قدیمهء بلخ در مشرق و جنوب شهر امروزه در خارج شهر واقع شده و خیلی صدمه بآنها خورده است.و گویا این ابنیه از همان‏ ازمنهء قدیمه هم در خارج شهر واقع بوده است.چه اگر فرض کنیم که‏ آنها در سابق داخلی خود شهر بوده‏اند آنوقت بایستی که شهر بلخ‏ در قدیم الأیام دارای یک وسعت فوق العادهء عجیبی بوده باشد و این قطعا خارج از حیّز امکان است.شهر قدیم بلخ ظاهرا فقط اندکی وسیع‏تر از آبادی امروزهء شهر بلخ بوده است.

(1)یعنی دورهء سلطنت ایرانی در ناحیهء که پایتخت آن بلخ بوده است.مترجم

آثار بعضی برجهای بزرگ بسیار قدیم که با آجر پخته و خام بطرز بسیار محکم ساخته شده هنوز باقی است و بنظر میآید که اینها از دورهء زردشتیان‏ بیادگار مانده است.یک دیوار گلی هم که 20 متر قطر آن و در طرف‏ شمال شرقی شهر واقع است معلوم میشود که از همان عصر باقی مانده است. این دیوار از طرف مغرب تا ارک که بقول بومیان شهر قدیم در آنجا بوده ممتدّ است.پایهء این دیوار بشکل یک کثیر الأضلاع بیضی شکلی‏ است که 800 متر طول و 600 متر عرض آنست.تمام اصل این محوّطه‏ تقریبا 10 متر از اراضی باتلاقی اطراف خود مرتفع‏تر است و محاط اصل‏ قلعهء قدیم واقع بوده است.بدون آنکه کسی حفر بکند هنوز هم بطور وضوح میتوان معلوم کرد که در سه عصر مختلف مردم در اینجاها توطّن‏ داشته و ابنیهء مختلف روی یکدیگر ساخته بوده‏اند لکن عصر اسلام که‏ متأخّرتر از همه است آثار آن اعصار را پوشیده و بکلّی خراب کرده‏ است.بیشتر بناهای عصر اسلام در طرف جنوب قلعهء قدیم واقع است. از همه مهمّ‏تر مسجد جامع است با کاشی‏کاریهای خیلی فراوان و چندین‏ مدرسه و یک زیارتگاه که ظاهرا از قرون 12 و 14 مسیحی(6 و 8 هجری) باقی مانده‏اند.پایهء این زیارتگاه بهمان طرز ساخته شده که در مزار شریف مذکور شد.از قرار معلوم چنگیز خان در اینجا هم بطریق‏ معهود خود رفتار کرده و هیچ چیز باقی نگذاشته است.

سطح مسکون امروزهء شهر فقط قسمت کوچکی از آبادی محوّطهء بلخ را شاغل است و بناهای آن با آجرهای ابنیهء قدیمی اسلامی ساخته شده است.

از قراین چنین معلوم میشود که سابقا استحکامات حصین و برجهای‏ محکم در طرف جنوب شرقی و شمال شرقی و شمال غربی یعنی در نقاطی‏ که بیشتر معرض هجمات دشمن بوده ساخته شده بوده است.از مجاری‏ آبها و قنوات مشهور بلخ قدیم امروزه اثری باقی نیست و همه نابود شده است. جمیع قسمت جنوبی و شرقی بلخ مملوّ است از بقایای ابنیهء که بسیاری از آنها با خشت خام و اغلب در قرون متأخرّهء اسلام بنا شده است. مسکوکات دورهء یونانی و بعد از یونانی در اینجا مثل سایر نقاط افغانستان‏ خیلی یافت میشود.

شرح مفصّل و مبسوط در خصوص معلوماتی که بدست آمده است بعدها نشر خواهد گردید.

شهرهای آقچه و شبیرغان(شبورغان)و سر پل و میمنه و غیرها نیز خیلی آثار مفید دارند.این هیئت از سیستان افغانستان و کنارهای هیرمند نیز عبور نمود.

بعلاوهء این معلومات راجع بابنیه و صنایع این هیئت توانست که پارهء معلومات زمین‏شناسی(ژئولوژی)و بعضی مجموعه‏ها هم بدست آورد.

مشروحهء فوق هرچند کامل نیست لیکن کافی است برای آنکه هم جلب‏ دقّت متخصّصین را بکند و هم عموم را یک اطلاّع اجمالی از افغانستان داده‏ و دقّت آنها را بطرف یک مملکتی جلب کند که هم تاریخ بزرگی در گذشته دارد و هم امروزه از حیث سیاست و نظام بی‏اهمیّت نیست.

اسرای متّفقین‏ بدست متّحدین

جدول ذیل مشتمل است بر عدّهء اسرائی که از ابتدای جنگ تاکنون‏ بتوسّط قشون آلمان و متّحدین او اسیر شده‏اند.در 8 ربیع الثانی 1335 در ممالک مختلفهء متّحدین بنقد در تحت اسارت میباشد:

در آلمان:

صاحب‏منصب‏\سرباز\مجموع

فرانسوی‏\287‘6\837‘360\124‘367

روسی‏\223‘9\784‘202‘1\007‘212‘1

بلژیکی‏\658\777‘41\435‘42

انگلیسی‏\104‘1\025‘32\129‘33

سرب‏\-\879‘25\879‘25

رومانی‏\202\955‘9\157‘10

\474‘17\257‘673‘1\731‘690‘1

در اطریش:

صاحب‏منصب‏\سرباز\مجموع

روسی‏\755‘4\095‘848\853‘852

سرب‏\709\363‘96\082‘97

مونته‏نگری‏\31\564‘5\595‘5

ایتالیائی‏\227‘2\485‘95\712‘97

رومانی‏\542\785‘37\327‘38

فرانسوی‏\12\453\465

انگلیسی‏\18\13\31

\294‘8\761‘083‘1\055‘092‘1

در بلغار:

صاحب‏منصب‏\سرباز\مجموع

انگلیسی‏\24\604\628

فرانسوی‏\21\869\890

ایتالیائی‏\7\298\305

روسی‏\120\439‘5\559‘5

رومانی‏\789\718‘27\507‘28

سربی‏\187\492‘31\679‘31

بلژیکی‏\-\2\2

مونته‏نگری‏\-\1212

\148‘1\434‘66\582‘67

در عثمانی:

صاحب‏منصب‏\سرباز\مجموع

انگلیسی‏\560\893‘10\453‘11

فرانسوی‏\9\119\128

روسی‏\132\148‘10\280‘2

رومانی‏\3\039‘23\042‘23

\704\199‘23\903‘23